

بحرین و نقش متغیرهای کلان در آینده سیاسی آن

فرزاد رضانی بونش

14-12-2012

مرکز بین المللی مطالعات صلح_ipsc

واژگان کلیدی: بحرین، انقلاب، بازیگران داخلی، آل خلیفه، متغیرهای داخلی، متغیرهای منطقه ای متغیرهای بین المللی

بیان رخداد:

پس از آنکه دامنه‌ی قیام‌های خاورمیانه ای از تونس آغاز شد در بحرین نیز به گونه ای مدنی مسالمت آمیز به طرح مطالبات خود و احقاق حقوق از دست رفته‌ی خویش پرداختند. در همین راستا با تحصن در میدان «لؤلؤ» منامه اعتراض‌های خود برضد رژیم «آل خلیفه» را آغاز کردند. اما این انقلاب جدا از مداخله خارجی نیروهای سپر جزیره با چالشها و مشکلات فراوانی روبرو بود و عملاً به رغم همانندی های بسیار انقلاب بحرین با دیگر انقلاب‌های عربی، در عمل به با مقاومت همه جانبه ساختار سیاسی حاکم روبرو شد. در این بین با وجود تداوم فشار این کشور همچنان با اعتراضها و درگیریهای روبرو بوده است. در این بین برای بررسی متغیرهای کلان و تاثیر گذار در تثبیت وضعیت کنونی و هر گونه سرنوشت سیاسی آینده انقلاب بحرین در این نوشتار در سه سطح به این متغیرها می پردازیم:

تحلیل رخداد:

متغیرهای داخلی:

ثبات نسبی در نگاه هیئت حاکمه به انقلاب: گذشته از علل قیام و انقلاب مردم در بحرین در واقع «شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه» از سال 1999 میلادی تاکنون حاکم این کشور بوده است و بیشتر پست های کلیدی کشور نیز در اختیار خاندان آل خلیفه بوده و همچنان در مقابل مخالفتها و اعتراضها مقاومت کرده است. چنانچه عملاً شکاف اندک در بین ساختار سیاسی هیئت حاکمه در قبال مخالفان و انقلابیون با توجه به هراس از آینده سیاسی نتوانسته است موجب گسترش اختلافات در بین ساختار سیاسی گردد. در این بین حتی به نظر میرسد که در ماه های گذشته ساختار سیاسی این کشور به گونه ای متصلب تر نیز با مخالفان برخورد کرده و عملاً به جای دادن امتیازهای بیشتر به مخالفان دست به رویکردهایی همچون سلب تابعیت از شهروندان این کشور به بهانه ضربه زدن به امنیت بحرین کشور و ممنوعیت برگزاری تظاهراتها و مخالفتها

کرده است. در این حال با توجه به شرایط نوین داخلی در این کشور از جمله وقوع برخی انفجارها و رویکردهای مسلحانه عملاً به نظر میرسد ساختار حاکم با بهره گیری از متهم کردن مخالفان منطقه ای از جمله ایران و حزب اله عملاً دامنه تحرك مخالفان را کاهش داده تا اندک اندک با توسل به بهانه های مختلف انقلاب بحرین کندتر کند. در کنار این امر نیز باید اشاره داشت که طرح اختلاف افکنی در بین مخالفان میانه رو و تندرو به عبارتی اصلاح طلب و یا مشروطه و جمهوری خواه و.. نیز همچنان در برنامه مقامات بحرینی هست.

عدم اتحاد کامل مخالفان: در واقع از آغاز انقلاب بحرین عمده مطالبات بحرینی را می توان در پادشاهی مشروطه و برگزاری انتخابات آزاد و تشکیل پارلمان واقعی و نخست وزیری بر اساس بیشتریت پارلمانی و... خلاصه کرد. در این حال نبود دیدگاه واحد بین گروه ها و احزاب سیاسی اپوزسیون در این کشور به نوبه خود موجب شده است تا جبهه مخالفان داخلی در کشور قدرت کاملی در مقابل ساختار سیاسی نداشته باشد. در این حال نیز باید توجه داشت که رویکرد دولت بحرین در مقابل گروه ها و جریان های مخالف میانه رو و تندرو و همچنین انجام برخی از مذاکرات با برخی از گروه ها باعث شده است تا اهداف احزاب و جریان های اپوزیسیون از انقلاب متفاوت باشد. در این راستا به عنوان مثال «جمعیت الوفاق» به عنوان بزرگترین گروه مخالف شیعه اغلب میانه رو بوده و صرفاً خواستار استعفای دولت و اصلاحات و یا تغییر نخست وزیر، تبدیل رژیم حاکم از «پادشاهی مطلق» به «پادشاهی مشروطه» هستند. در این مقابل نیز برخی دیگر از جریان های مخالف شیعه خواهان سرنگونی رژیم آل خلیفه و تشکیل یک نظام دموکراتیک هستند. چنانچه در طول ماه های گذشته نیز هر چند بخش عمده ای از مخالفان همچنان به توسل گیری از راه نافرمانی های مدنی و تظاهرات توجه دارند، اما باید توجه داشت که افزایش سرکوبها، سقف خواسته ها و نگاه به رویکردهای غیر مدنی و یا مسلحانه را بالا برده است و حتی برخی از انقلابیون توجه بیشتری به مقابله مسلحانه با دولت داشته اند. به عبارت دیگر با توجه به محدود تر شدن فضای داخلی در بحرین نه تنها امکان همگرایی مخالفان شیعه و سنی در بحرین افزایش نیافته است بلکه با توجه به نوع پیشنهاد های دولت و رویکردهای ناهمگون احزاب و گروهها هم اختلافات بسیاری در بین شیعیان در مورد راهبردهای مقابله با آل خلیفه برای تحقق اهداف انقلاب وجود دارد.

متغیر بازیگران منطقه ای:

کشور کوچک بحرین در همسایگی با مناطق نفت خیز و شیعه شرق عربستان و قرار دارد و همچنین بحرین فاصله ی ناچیزی با دو کشور قطر دارد و با یک پل 25 کیلومتری به شرق عربستان متصل می شود. در این حال این کشور با توجه به عضویت در شورای همکاری خلیج فارس و بافت همگن عربی با سایر کشورهای شورای همکاری به شدت مورد توجه این کشورها است و از سویی نیز با توجه به جمعیت شیعه و پیوندهای گوناگون این

شیعیان با حدود دو میلیون نفر شیعه عربستانی مورد نگرانی آل سعود است. در این حال از آنجا که هر گونه تغییر در معادلات قدرت در بحرین بر قدرت مجموعه شورای همکاری خلیج فارس تاثیر گذاشته و حتی ممکن است به خارج شدن بحرین از این شورا بیانجامد، پیامدهای دومینو واری بر سایر کشورهای این حوزه داشته باشد و در مقابل نیز بر قدرت ژئوپلیتیک ایران و عراق در منطقه بیفزاید در حقیقت هر گونه تغییر در بحرین عملاً از نگاه شورای همکاری خط قرمزی برای آنان است. در این راستا نیز عملاً بحرین نیز کوشیده است تا پشتیبانی های رسانه ای معنوی و تبلیغاتی عراق، حزب اله لبنان و ایران را به مثابه دخالت آشکار در امور داخلی بحرین قلمداد کند و با این رویکرد انقلاب داخلی بحرین را پدیده ای وارداتی قلمداد نماید. چنانچه جدا از نوع روابط بحرین با کشورها و گروه های شیعه حتی اخیراً دولت بحرین حزب الله لبنان را به دست داشتن در انفجارهای این کشور محکوم کرده بود. رویکردی که بیانگر تمایل منامه به قلمداد کردن نقش سیاسی و حتی نظامی ایران و عراق و حزب اله لبنان در تحولات داخلی و روند مخالفت ها در این کشور و به دست آوردن حمایت افزون تر پشتیبانان منطقه ای از خود است.

متغیر سازمان ها و بازیگران جهانی:

سازمان ها و نهادهای بین المللی: در حقیقت هر چند بیش از یک و سال و نیم از اعتراض های مردم بحرین علیه رژیم آل خلیفه می گذرد، اما شورای امنیت سازمان ملل در این باره سکوت مطلق کرده و یک جلسه نیز به بررسی بحران آن کشور و سرکوب معترضان بحرین توسط رژیم آل خلیفه و عربستان اختصاص نداده است. در این حال هر چند نهادهای حقوق بشری و از آغاز توجه اندکی به مسائل بحرین داشته اند، اما این نهادها هم در مقایسه با سایر بحران ها همچون لیبی و سوریه توجه بسیار اندکی به بحرین داشته اند. در این حال هر چند واکنشهای نهادهای حقوق بشری در مقابل دولت بحرین با توجه به لغو تابعیت ها و ممنوعیت برگزاری تظاهرات ها و افزایش فشار دولت افزون گشته است، اما این رویکردها هم همچنان حداقلی بوده است.

بازیگران بین المللی: اهمیت ژئوپلیتیک و استراتژیک بحرین برای آمریکا و متحدان غربی و اروپایی این کشور به میزان سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس است. گذشته از این نیز وجود پایگاه دریایی آمریکا در این کشور اهمیت راهبردی بحرین را برای آمریکا افزایش داده است. در این حال غرب و آمریکا هر چند در دو سال گذشته تلاش کرده اند با انتقادهای حداقلی به نوعی دولت بحرین را زیر فشارهایی برای اصلاح تاکتیکی قرار دهند، اما تغییر بنیادین در بحرین هیچ گاه در راستای منافع آنان نبوده است و در مقام عمل انتقادهای رویکردی از منامه را افزایش داده است. گذشته از این نیز در طرف مقابل در واقع در یک سال نخست انقلاب در بحرین روسیه و چین نگاه چندان جدی ای به این کشور نداشتند، اما با توجه به افزایش فشار غرب به سوریه و نوع نگاه غرب به این بحران عملاً

روسیه و چین نیز انتقادهای خود را از دولت بحرین افزایش دادند. چنانچه حتی نماینده دائم روسیه در جلسه گذشته شورای امنیت پیشنهاد کرده است که بحران بحرین در دستور کار شورای امنیت قرار گیرد و اخیراً نیز وزارت امور خارجه روسیه با انتشار بیانییه ای خواستار پایان یافتن درگیری ها و خشونت ها در بحرین میان نیروهای امنیتی و معترضان در این کشور شد. در این راستا باید گفت با توجه به نوع رویکرد غرب در سوریه عملاً بحرین می تواند پتانسیلی برای ایفای نقش مهم تر روسیه و چین در شورای امنیت و صحنه ی بین المللی باشد. یعنی به هر اندازه که دامنه فشار غرب به دولت سوریه افزایش یابد این امکان وجود دارد که چین و روسیه نیز توجه افزونی به مساله بحرین و طرح آن در شورای امنیت داشته باشند.

چشم انداز تاثیر متغیرها در آینده سیاسی بحرین:

آنچه مشخص است با توجه به نقش متغیرهای سه گانه داخلی، منطقه ای و بین المللی در مورد بحرین هر گونه تحول در این کشور عملاً بسته به نوع کنش و واکنش بازیگران داخلی منطقه ای و بین المللی دخیل در تحولات این کشور است. در این راستا باید گفت جدا از تاثیر گذاری نوع رویکردهای رفتاری احزاب و جریان های انقلابی بحرین و نظام حاکم نوع در سطح داخلی، نوع رویکرد ایران و عراق در مقابل رویکرد شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب در سطح منطقه ای و همچنین رویکردهای رفتاری امریکا، اتحادیه اروپا، شورای امنیت و سازمان های بین المللی و حتی احتمال مذاکره ایران و امریکا نیز می تواند بر آینده هر گونه تحولات در بحرین تاثیر گذار باشد.